



پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به

شاعران، نویسندگان، هنرمندان و اندیشمندان مترقی ایران

متاسفانه همان نخستین نویدهای آغاز جنبش نیز با یورش خشک اندیشان از میان رفت. دیری نپائید که دوره تازه‌ای از سلطه استبداد و وحشت و خفقان آغاز شد و وظائف جدیدی در برابر شاعران، نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران ایران قرار گرفت.

حکومت جمهوری اسلامی نه تنها از برآمدن هر جوان تازه در زمینه ادبیات، دانش، هنر و فلسفه جلوگیری می‌کند، بلکه به ریشه‌زنی گنجه افتخار آمیز فرهنگ گذشته مهین ما نیز پرداخته و با تاراج بیرحمانه دستاوردهای غنی و پر بار هنری و تخریب آثار و ابنیه

بقیه در ص ۵

شاعران، نویسندگان، هنرمندان و اندیشمندان مترقی ایران!

چنانکه شاهد هستید، فرهنگ کشور ما به مخاطره‌ای جدی کشیده می‌شود. آزادی در تمامی ابعاد آن در تنگنا قرار گرفته است. سانسورچیان از تحدید گفتار و نوشتار پسی فراتر رفته و بر عرصه اندیشه‌ها فرمانروایی می‌کنند. دگراندیشی جرمی است نابخشودنی که پاداشی دشوارتر از مرگ دارد.

انقلاب بزرگ همین طبیعتاً می‌بایست موجب دگرگونی‌هایی تدریجی اما اوچ گیرنده در زمینه فرهنگ و هنر- که در آزادی به بالندگی و شکوفایی می‌رسند می‌شد ولی

شماره ۱۱۵ دوره هشتم
سال سوم پنجشنبه ۱۳۶۵/۵/۲۲
بها ۲۰ ریال

جنگ جنگ جنگ

جنگ در چپه ایران و عراق، جنگ در کردستان، جنگ در بلوچستان، تشدید ترور و اختناق در شهرها و روستاها، شکار جوانان و دانش آموزان در کوچه و خیابان برای اعزام به کشتارگاهها، هسته مرکزی سیاست داخلی رژیم ضد خلقی خمینی را تشکیل می‌دهد.

در حالی که بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی جامعه ما را فرا گرفته، سران رژیم راه برون رفت را در نظامی کردن اقتصاد و اعزام هر چه بیشتر زحمتکشان به چپه‌های جنگ، جستجو می‌کنند و دولت به تصویب آئین نامه اجرایی قانون نظام وظیفه در زمینه "چگونگی شناسایی و دستگیری مشمولان غایب" سرگرم است.

مواد این آئین نامه نشانگر مقاومت مردم از رفتن به چپه و ناتوانی رژیم در مقابل این مقاومت جمعی است. مثلاً، در ماده ۱۹۹ آئین نامه گفته می‌شود: "سپاه پاسداران، کمیته انقلاب اسلامی، ژاندارمری و شهرهانی ج.ا. موظفند مشمولان غایب خدمت وظیفه عمومی را شناسایی و دستگیر نموده و به حوزه وظیفه عمومی محل دستگیری تحویل نمایند".

ماده ۲۰۲، همه مردم را موظف به جاسوسی می‌کند و از آنها می‌خواهد تا محل مشمولان غائب را شناسایی و از طریق تلفن و غیره به ارگانهای سرکوبگر اطلاع دهند.

ماده ۲۰۴ مامورین انتظامی را مکلف می‌سازد که کلیه "اماکن عمومی، از قبیل هتلها، مهمانخانه‌ها، کاراژها، سینماها، ترمینال‌های اتوبوسرانی، پارکها و باشگاههای ورزشی را زیر نظر داشته باشند تا مشمولین غایبی را که در این

بقیه در ص ۲

دیگر بار، نشریه "فدایی"
وتحریر دیدگاه‌های ما (۲)
در ص ۴

از رزم کارگران ایران

همبستگی جهانی بامردم وزندانان سیاسی ایران

نیروهای مترقی در کانادا

خواستار آزادی زندانیان سیاسی ایران شدند

بیش از چهل حزب، اتحادیه، جمعیت و سازمان مترقی و نمایندگان احزاب و سازمان‌های انقلابی کشورهای مختلف در کانادا، با امضاء بیانیه‌ای که از جانب سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیس) تهیه شده بود، خواستار قطع بدون قید و شرط شکنجه و اعدام در زندان‌های ایران و آزادی کلیه زندانیان سیاسی کشور شدند. در این بیانیه ضمن اشاره به آزار و شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی و پرشردن اقسام شکنجه‌های مرسوم در ج.ا. و پرده برداشتن از اسرار قتل و حشیانه رفقا شلتوکی و کی منش از حزب و رفقا رضی الدین تاهان و محمد رضا غبرائی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و گروهی دیگر از انقلابیون که به دست رژیم جلا د کشته شده اند، از مردم آزاده و صلح دوست کانادا خواسته شده است که هر چه فعالیت در کارزار برای آزادی زندانیان سیاسی کشور ما شرکت کنند. از جمله امضاء کنندگان بیانیه می‌توان از حزب کمونیست کانادا، کنگره زنان کانادا، سازمان زنان کمونیست کانادا، سازمان‌های ایالتی حزب کمونیست کانادا در بریتیش کلمبیا، مانیتوبا و ساسکاچوان حزب کمونیست کبک، کمیته متحده "ماه مه" در کانادا به نمایندگی بیش از ۶۰ سازمان و سندیکا و گروه کانادایی و مقیم کانادا، بخش‌های مختلف اتحادیه کارکنان دولتی، سازمان جهانی کارگران پلسازی و پایه‌سازی شعبه کانادا، انجمن فعالیت‌های

بقیه در ص ۷

در باره عضویت و موازین ترکیب صفوف حزب

کنفرانس ملی حزب توده ایران به تحکیم انسجام حزب، مراعات انضباط آگاهانه و رازداری، بریزه در شرایط کار مخفی اهمیت فوق العاده‌ای داد و تصمیمات لازم را نیز اتخاذ کرد. توجه کنفرانس ملی به این موضوع مهم در شرایط گسترش فعالیت حزب مالاتشدید حملات از چپ و راست و نیز خرابکاری مثنی و از دکان سیاسی، دارای اهمیت خاصی است.

تصمیم درباره تشکیل کمیسیونهایی با آیین نامه ویژه و نیز تغییر در اساسنامه حزب برای انطباق آن با شرایط کار مخفی، از جمله تدابیری است که باید در تحکیم صفوف حزب نقش مهمی ایفا کنند.

حزب ما، حزب طبقه کارگر است و دارای موازین و اصول ویژه خود است. این موازین و اصول در شرایط کار علنی و مخفی فرق می‌کنند، اما یک اصل همیشه صادق است که کارآیی حزب طبقه کارگر با مراعات اکید انضباط پیوند ناگسستنی دارد. انضباط آگاهانه، ثبات اندیشه و توان ایستادگی در برابر آشفتگی اپورتونیستی، مهمترین وثیقه انقلابی بودن یک حزب است.

همه ما می‌دانیم که مسئله عضویت در حزب و مسئله اصول و موازین ترکیب صفوف حزب از مسائل حیاتی ساختمان حزب طبقه کارگر است. مارکس و انگلس با کنجاندن چکیده نظرات خود در اساسنامه "اتحاد کمونیستها" درباره این مسائل، خاطر نشان کرده اند که عضواين "اتحاد" تنها کسی می‌تواند باشد که با تمام شیوه زندگی و فعالیت خود، وفاداری خویش را به اندیشه‌های کمونیسم ثابت کرده است، تابع انضباط است و راز حزبی را نگه می‌دارد. لنین در ایجاد حزب طراز نوین با اتکال به رهنمودهای مارکس و انگلس، علاوه بر تعیین پایه اجتماعی آن، چنان اصولی را برای عضویت در حزب تدوین و از آنها دفاع کرد، که به مثابه سد استواری در برابر

بقیه در ص ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

درباره عضویت و موازین *

رسوخ کسانی در حزب بود که از فردگرایی خرده بورژوازی اشباع بودند و شایستگی عنوان والای کمونیست را نداشتند.

لنین درباره گزینش دقیق برای عضویت در حزب، بر وابسته بودن هر عضو حزب به یکی از سازمانهای آن، طلب مسئولیت شدید از اعضای حزب و تفاوت قائل شدن میان کسانی که به حزب علاقه نشان می‌دهند با کسانی که در حزب فعالیت می‌کنند، تأکید داشت. قدرت رمزندگی پلشویکها نیز از مراعات این اصول نشأت می‌گرفت. همه این اصول امروز نیز به قوت خود باقی مانده است و به این یا آن طریق در اسانامه‌های احزاب کمونیستی و کارگری منعکس است. از این رو آموزش تجربه حزب لنین اهمیت ویژه‌ای کسب می‌کند. ما سعی می‌کنیم با استفاده از منافع گوناگون مروری بر این تجربه بکنیم.

لنین و کمونیستهای پلشویک مخالف سرسخت آن بودند که حزب، حزب "برگزندگان" و محدود به یک محفل درسته و یا حزب "درهای باز" باشد که بدون تفاوت قائل شدن میان افراد و گزینش آنها بر اساس اصول معینی، همه را دربرگیرد. به نظر آنها، پایه اجتماعی، اساس گزینش افراد در حزب طبقه کارگر است. در مرحله مبارزه در راه پیروزی انقلاب بورژوا - دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر هسته اصلی حزب پلشویک را تشکیل می‌داد. بدیهی است، پلشویکها از ناهگونی ترکیب طبقه کارگر نیز با خبر بودند و می‌دانستند که همه قشرهای آن دارای ظرفیت انقلابی یکسان نیستند. به همین سبب داشتن تصور روشن از سطح واقعی آگاهی سیاسی و آمادگی این یا قشر طبقه کارگر، ضرورت دارد. این نظریه لنین هم که حزب باید گردان پیشرو طبقه کارگر باشد و تمام طبقه کارگر "عضو حزب نمی‌شود و نباید عضو حزب باشد" (مجموعه کامل آثار، جلد ۷، ص ۲۸۹) از اینجا ناشی می‌شود.

با در نظر گرفتن این اصل لنینی است که کنفرانس ملی انتقال فعالیت حزب را در درجه اول به کارخانه‌های بزرگ و محلات کارگری، مورد توجه خاص قرار داد. البته این امر، چنانکه در قطعنامه سیاسی حزب نیز خاطر نشان شده، به هیچ وجه به معنی عدم توجه به دیگر زحمتکشان نبوده و نیست. حزب پرولتری، که بنا به سرشت خود حزب طبقاتی است، محدودیت فرقه‌گرایان را مردود می‌شمارد. حزب ما افراد منسوب به دیگر قشرهای زحمتکش را هم در خود متشکل می‌سازد. به گفته لنین آنها به اشتراک منافع خود با منافع پرولتاریا آگاه می‌شوند و درک می‌کنند که راه نجات در مبارزه مشترک با طبقه کارگر برای واژگون ساختن کامل سلطه بورژوازی است (همانجا، جلد ۱۳، ص ۲۲۴).

ناگفته پیداست که لنین گسترش صفوف حزب را هیچ گاه به شکل کلی و انتزاعی، بدون محاسبه دقیق شرایط مشخص زمانی و مکانی و در نظر

داشتن وضع خود چنهن کارگری مطرح نکرده است. در شکل گیری صفوف حزب، عوامل موثر عبارتند از شرایط تاریخی، خصلت وظایفی که در برابر حزب قرار دارد، شرایط اوج و یا فروکش چنهن انقلابی، شکل های اصلی فعالیت در دوران معین، فعالیت علنی و یا مخفی، دگرگونی در ساختار اجتماعی جامعه ... و کوتاه سخن نیازها و شرایط واقعی که به طور دقیق سنجیده شده باشند و از لحاظ مصالح سیاسی ورود نیروی تازه به حزب را توجیه کنند.

مثلاً، لنین در او ان تشکیل حزب، بر این عقیده بود که در شرایط پیگیردها و فشار بی رحمانه "در کشور با حکومت استبدادی هر قدر ما اعضای چنین سازمانی را محدودتر کنیم، به همان اندازه "پدام افکنند" چنین سازمانی دشوارتر خواهد بود" (همانجا، جلد ۶، ص ۱۱۴). برعکس هنگامی که در جریان انقلاب ۱۹۰۷ - ۱۹۰۵، آگاهی سیاسی طبقه کارگر بطور شگرفی اعتلاء یافت و آزادی اتحادیه‌ها و اجتماعات و مطبوعات بدست آمد، لنین این شعار را مطرح کرد که "با شهامت تر به پیش ... تکیه گاههای خود را گسترش دهید، همه کارگران سوسیال دمکرات را بسوی خود فراخوانید، صد صد و هزار هزار آنها را به صفوف سازمانهای حزبی وارد کنید" (همانجا، جلد ۱۲، صفحه ۸۶). پس از شکست انقلاب ۱۹۰۷ - ۱۹۰۵، حزب پلشویک مورد پیگرد سعبانه قرار گرفت و بسیاری از سازمانهای آن سرکوب و پراکنده شدند. در آن شرایط هم لنین تمام کوشش خود را پکار بست تا کاهش اعضای حزب موجب تضعیف نفوذ آن بر توده‌های انپوه نگردد. لنین بعدها در این مورد نوشت: "اگر اقلیت حزب قادر به رهبری توده‌ها نیست و نمی‌تواند با آنها پیوند نزدیک داشته باشد، این اقلیت حزب نیست ..." (همانجا، جلد ۴، ص ۲۳۹).

لنین به جلوگیری از ورود عناصر متزلزل به حزب اهمیت زیادی می‌داد و فن و مهارت حفظ پاکیزگی و پایداری حزب را تعلیم می‌داد. لنین اندیشه‌های آزاد تشکیل فراکسیون و گروه بندی و "آشتی" با اپورتونیستها را که از جانب تروتسکیست ها و دیگر عناصر اخلا لگر تبلیغ می‌شدند، بویژه بسیار زیان بخش می‌دانست.

لنین با جمع بست تجربه‌های تاریخی ثابت کرده است که با وجود عناصر تصادفی و واژدگان سیاسی فاقد معتقدات انقلابی در صفوف حزب، "نمی‌توان در انقلاب پرولتری پیروز شد، نمی‌توان از آن (انقلاب) دفاع کرد" (همانجا، جلد ۴، ص ۴۱۶).

طرد عناصر ناشایست، بنای حزب را استحکام می‌بخشد و چپه آن را در میان توده‌ها بالا می‌برد. لنین می‌گوید: "اینگونه کاهش شماره اعضای حزب به منزله افزایش فراوان نیروی حزب است" (همانجا، جلد ۲۹، ص ۲۷).

پلنوم نوزدهم و کنفرانس ملی حزب توده ایران به هنگام تصمیم گیری درباره گروه فراکسیونی، این رهنمودهای لنینی را بموقع اجراء گذارد. اما، گروه فراکسیونی اخراج شده از حزب با پخش انواع شایعات می‌خواهد چنین

وانمود سازد که گویا طرد آنها از حزب مغایر با دمکراسی درون حزبی است و گویا هدف رهبری جلوگیری از اظهار نظر اعضاء در حزب و واداشتن آنها به اطاعت کورکورانه است. نیازی به رد این اتهام بی پایه و اساس نیست.

طرد واژگان سیاسی به هیچ وجه به معنی جلوگیری از بحث، اظهار عقاید مختلف و تحلیل این یا آن مسئله از دیدگاههای گوناگون در درون سازمان نبوده و نیست. برعکس به نظرما، اینگونه مباحثه‌ها ضروری است و در نظر گرفتن عقاید و پیشنهادهای مختلف - چنانکه بحث پیرامون طرح برنامه حزب و ترها نشان داد - همواره به تدوین و اتخاذ خط مشی سیاسی درست و منطبق با شرایط کشور، کمک کرده و می‌کند.

اما، حزب، پس از تحلیل و بررسی جمعی هر مسئله و اتخاذ تصمیم، در اجراء آن مانند ارگانیمس واحدی عمل می‌کند. تلاش مذبوحانه گروه فراکسیونی اخراج شده از حزب، جلوگیری از تحقق این اصل لنینی در حزب است. تردیدی نیست که توده‌ایهای صادق و وفادار به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، با هرگونه تظاهر پدیده‌های منفی از این نوع به شدت مبارزه خواهند کرد.

تعلق داشتن به حزب، فداکاری، منافع فردی را تابع منافع جمع ساختن و صرف تمام نیرو در کاری را که اغلب فاقد جلوه است، طلب می‌کند. برای هر توده‌ای توجه به این اصل بنیادین بویژه در شرایط سخت پیکار در مرحله کنونی، حائز اهمیت زیادی است و این نیز مستلزم مراعات انضباط حزبی است. منظور ما انضباط رفیقانه و آگاهانه حزبی است که بر درک آگاهانه مسئولیت، وفاداری به آرمانهای طبقه کارگر، اعتقاد تزلزل ناپذیر به درستی اندیشه و سیاست حزب و مبارزه پیکیر و تزلزل ناپذیر بخاطر تحقق منافع مشترک حزب و زحمتکشان، استوار باشد.

در اینجا یادآوری نکته مهم دیگر ضرورت دارد. قدرت هر حزب مارکسیستی - لنینیستی قبل از هر چیز با نیروی نفوذ آن زوی توده‌ها و پشتیبانی آنها از شعارها و سیاست اصولی حزب مشخص می‌شود. از آنجا که حزب مارکسیست - لنینیست ماهیت طبقاتی دارد و پایبند به حیثیت سیاسی خود هست، نسبت به مواضع برنامه‌ای خود با مسئولیت برخورد می‌کند و اصولی را که به آن پایبند است بازبچه قرار نمی‌دهد و آنها را مانند لباس کهنه بدور نمی‌افکند.

تکیه بر توده‌ها و پیوند با زحمتکشان، وظیفه بس سنگین افشاندن پدر آگاهی طبقاتی و آموزش و آماده کردن آنها برای مبارزه انقلابی را پیش روی حزب قرار می‌دهد. لنین می‌گفت، برای آنکه فعالیت حزب در عمل طبقاتی باشد، نه تنها باید در مبارزه سیاسی شرکت کند، بلکه باید زندگی سیاسی و فعالیت های غیرمتشکل قشرهای انپوه مردم را در عرصه عالی‌ترو در راه هدفهای عمده و بنیادی تر هدایت کند (همانجا، جلد ۲، ص ۹۲). سازگار نشدن با پندارهای باطل، بقیه در ص ۷

جلال سرفراز

به یاد آور

ا بر می گرید و می گرید شهر
نیز شب دارد سر

باز گوید سخن از سانحه و مرگ و خطر

تس دارم که پمیرد دل من، دق کند از تاریکی
آی

تاریکی را باید کشت

هم که در تنهایی بر چهره خونین زمان می نگری
رنگ خاکستری شهرت را از یاد مهر

و به یاد آور آوای غریبی را

که بر اندوه تومی پیماید

و سخن می گوید با مردم شهر

گریه کن دختر کم

با حسرت دیدار برادرهایت

در لوله تاریکی

که به خمپاره نادانی از پا در می آیند

بر گریزان است

آری چه خزانی

چه زمستانی

هر هرگی یک انسان است

هم که گل می کند آواز تو در خلوت شهر

و به مشرق داری از دور نظر

پاره های دل آنان را

در زمزمه خوبی

بیا آور

و بپاخیز و بیا آور

در پشت گذرگاه زمستانی

باید که بهاری باشد

پیام کنفرانس ملی حزب توده

کشی و تجاوز به حقوق مردم از طرف کارگزاران حکومت و ارسال و ارائه آنها به مراجع صلاحیتدار بین المللی، در نشان دادن ماهیت ضددمکراتیک رژیم پکوشند.

فرهنگ پروران مترقی ایران!

به شکرانه چراغ روشنی که از هنر و دانش و مهر مردم در ضمیر و اندیشه خود دارید، متعهد به باورهای انسان دوستانه و بدون از هرگونه گروهگرایی پدفرچام، برای شکستن دیوارهای

چهل و سیاهی که تبهکاران به گرداگرد جان و روان ما می کشند، گرد آئید، انجمن، کانون، شورا و یا محفل های پنهان و آشکار خود را تشکیل

دهید، در خلق آثار پارزش، متناسب با نیازهای امروزی جامعه بکوشید و مطمئن باشید که نیروی آگاه و استوار رحمتکشان و محرومان کشور و جوان های آزاد بشریت مترقی، در همه جا یاور و پشتیبان شماست!

کنفرانس ملی حزب توده ایران

خورده است، پایان دهد. جنگ همچنان ادامه دارد و در این اواخر دامنه آن باردیگر به شهرها کشانده شده است.

چند روز پیش بمب افکنها و توپهای دورزن نیروهای مسلح ایران شهرهای بصره و سلیمانیه را زیر آتش بمب و گلوله توپ گرفتند و موسسات صنعتی و خانه های مسکونی را با خاک یکسان کردند. در همان روزها بمب افکنهای عراقی اسکله خارک را باردیگر هدف قرار دادند، همچنین محموله های مرگبار خود را روی شهر دو رود ریختند و کارخانه سیمان و مناطق مسکونی این شهر را به آتش کشاندند. در عین حال نیروی هوایی عراق خطوط راه آهن و پل های دارای اهمیت استراتژیک در شمال غرب ایران را مورد حمله قرار داد.

بدینسان هر روز صدها نفر از نیروی مسلح هر دو طرف و نیز مردم بی دفاع در شهرها و روستاها کشته و یا زخمی می شوند و مراکز کار و تولید و نقاط مسکونی نابود می گردند. ماشین جنگ کماکان در حرکت است و افزون بر خسارتهای جانی، اقتصاد هر دو کشور را با ورشکستگی و ویران ساختن است.

کشتار هموطنان ما تنها محدود به جبهه های جنگ ایران و عراق نمی شود. روزی نیست که خبر کشتار هموطنان کرد ما در جنگ برادرکشی، انتشار نیابد. برادرکشی در بلوچستان و سیستان نیز شدت می یابد. زده خوردهای خونین اخیر میان بلوچها و نهادهای سرکوبگر رژیم در نزدیکی فرودگاه میرچاوه که منجر به قتل ۹ نفر از افراد سپاه گردید و درگیری مسلحانه در خیابانهای زاهدان، نمونه ای از تشدید جنگ برادرکشی در بلوچستان و سیستان است.

رزمندگان بلوچ علیه تبعیض و ظلم و جور حکام ج.ا. اسلحه بدست پیاخته اند. آنها هم مانند دیگر خلق های ایران، در راه دستیابی به حقوق مشروع خود مبارزه می کنند. اما پاسخ رژیم همه جا یکی است: سرکوب خونین! نهادهای سرکوبگر رژیم برای زهر چشم گرفتن از بلوچها به جنایت تازه ای دست زدند و ۱۵ نفر از بلوچهای بی گناه را در غلام عام، اعدام کردند.

چنین است فقط گوشه ای از جنایت های رژیم "ولایت فقیه". تجربه تاریخ نشانگر آن است که هیچ یک از این رژیمها نیز به خودی خود سرنگون نشده اند. تجربه انقلاب بهمن ۵۷ نشان می دهد که فقط با مبارزه متحد و متشکل می توان به رژیم دیکتاتوری پایان داد. خوشبختانه این اندیشه هر چه بیشتر در میان اقشار و طبقات جامعه قوت می گیرد. تمایل به اتحاد برای مبارزه با رژیم - گرچه با کندی - راه خود را باز می کند.

اتحاد ضامن پیروزی است. برای سرنگون کردن رژیم ضد خلقی رژیم راهی جز این وجود ندارد.

جنگ

اما کن حضور دارند شناسایی و دستگیر نمایند". در ماده ۲۰۷ گفته می شود: "سازمانهای موضوع ماده ۱۹۹ این آئین نامه باید به موسسات غیردولتی از قبیل کارخانجات، کارگاهها، پنکاهها، مغازه ها و سایر اماکنی که در حوزه استحقاقی آنان قرارداد مراجعه و مشمولان غایبی را که بکارگرفته اند، دستگیر" کنند.

ماده ۲۰۸ مامورین وزارت کار و امور اجتماعی و سازمانهای تامین اجتماعی و کمیته های امور صنفی را موظف می کند تا مشمولان غایب را شناسایی و دستگیر کنند.

این شیوه های شکار جوانان بی اختیار دوران پایان حکمروایی هیتلر را در جنگ جهانی دوم در خاطره ها زنده می کند. در آن روزها نیز آدمکشان هیتلری خانه به خانه و هرزن به هرزن در پی شکار سربازان فراری و نوجوانانی بودند تا شاید بتوانند چند صحاحی به حیات ننگین خود ادامه دهند. ولی چنانکه می دانیم هیچ یک از این اقدامهای مذبحخانه مانع از ناپودی رژیم فاشیستی هیتلر نشد.

رژیم ج.ا. از اعزام جوانانی که هنوز به سن مشمولیت نرسیده اند نیز امان ندارد. رحمانی سرپرست "پسیچ مستضعفین" در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "کلیه داوطلبان پسیچی که به سن مشمولیت نرسیده اند و برای تکمیل گردانها راهی جبهه می شوند و در سنین ۱۷ الی ۱۹ هستند چنانچه شش ماه متوالی از همین روز به اعلام می شود اعلام آمادگی کنند" امتیازهایی به آنها داده خواهد شد. این به اصطلاح امتیازها عبارتند از امتیاز در نمرات کنکور ورود به دانشگاه، ادامه آموزش" در جبهه های جنگ" و...

التهت چنانکه از نام رسمی این نهاد نیز برمی آید، پسیچ فقط کودکان منسوب به خانواده های "مستضعف" مطرح است و فرزندان صاحبان زر و سیم از وقتن به جبهه ها مصون هستند.

طبق اطلاعات "واحد پسیچ مستضعفین سپاه پاسداران"، تعداد کودکان دانش آموز باید به اندازه ای باشد که بتواند برای تامین ۵۰۰ گردان رزمی سپاه پاسداران، کفایت کند.

اگر در گذشته رژیم به آسانی می توانست کودکان را قریب داده و به کشتارگاه جنگ اعزام دارد، اینک در این زمینه نیز با مقاومت فزاینده روبرو است.

رژیم خمینی که صدها هزار جوان، نوجوان و کودک ایرانی را طی شش سال اخیر به کشتن داده و صدها هزار علیل تحویل جامعه داده است، علیرغم وعده هایی که می دهد، نمی تواند به جنگ بی حاصل و خانم سوز که با موجودیت آن گره

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیکاری گیر،

متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

دیگر بار، نشریه "فدائی" و تحریف دیدگاه‌های ما (۲)

اما در برنامه حزب مصوب سال ۵۴، ما برای اولین بار مسئله سمت گیری سوسیالیستی را در کشوری که مناسبات تولیدی سرمایه‌داری در آن تا مرز شکل گیری انحصارهای محلی پیشرفته بود، مطرح ساختیم. این در واقع نوآوری حزب ما بود. امروز دانشمندان مارکسیست به این نتیجه رسیده‌اند که در این کشورها نیز می‌توان از طریق درپیش گرفتن سمتگیری سوسیالیستی، رشد سرمایه‌داری را قطع کرد و شرایط گذار به سوسیالیسم تحت رهبری حزب طبقه کارگر را فراهم ساخت. درست به همین سبب در برنامه حزب تصریح شده بود که حزب ما در راه تأمین هژمونی (سرکردگی) طبقه کارگر مبارزه خواهد کرد.

اکنون کمونیست‌های هندستان نیز به این نتیجه رسیده‌اند. در قطعنامه سیاسی کنگره حزب کمونیست هندوستان که چندی پیش به تصویب رسید، تصریح می‌شود که مرحله ملی و دمکراتیک انقلاب از طریق سمت گیری سوسیالیستی به سوسیالیسم فراخواهد روئید. همه می‌دانند هندوستان کشوری است که در آن انحصارهای بزرگ محلی و طبقه کارگر رشديافته و متشکل در سندیکاها و در صفوف حزب کمونیست وجود دارد.

با توجه به آنچه که گفته شد، باید از "فدائی" پرسید: کجای برنامه ما و یا حزب کمونیست هندوستان "دنباله روی از سیاست خارجی اتحاد شوروی" بوده و هست.

اگر این تهمت‌ها و پرچسب‌ها را دست نشانندگان و مبلغین امپریالیسم به ما می‌زدند - که می‌زنند - جای بحث باقی نبود. آنها ما مورند و معذور. اما وقتی گروه "کشتگر" به چنین تحریف ناپسندی متوسل می‌شود، چه باید گفت؟ "فدائی" راهی را پیش می‌سازد که خود در بحث با "راه کارگر" آن را "روش‌ها و اخلاقیات" ناشایست می‌نامد. "فدائی" در آن بحث ضرورت "طرد انواع روش‌ها و شیوه‌ها و اخلاقیات ناسالم" را که "خود کشت مناسب انحرافات اپورتونیستی است" مطرح ساخته بود. ما هم با این نظر که درباره "گروه کشتگر" نیز صادق است، موافقیم.

برگردیم به اصل موضوع. دولت‌های سوسیالیستی و از جمله اتحاد شوروی سیاست خارجی ویژه‌ای را در جهان تعقیب می‌کنند. این سیاست بر اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز میان دولت‌های دارای نظام‌های اجتماعی - اقتصادی متضاد و عدم مداخله در امور داخلی کشورها استوار است. این سیاستی است دولتی و یگانه آلترناتیو نجات بشریت از جنگ ناپود کننده هسته‌ای در دوران ماست. ما نیز از این سیاست دفاع کرده و می‌کنیم. اما، دفاع ما از این سیاست در مقیاس جهانی، هیچ ارتباطی با تعیین خط مشی حزب در مقیاس ملی برای مقابله با رژیم‌های ارتجاعی هم در گذشته و هم در حال

نداشته و نمی‌تواند داشته باشد.

در گذشته، در حالیکه روابط اتحادشوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با رژیم ایران عادی بود، ما شعار سرنگون کردن رژیم و استقرار حکومت ملی و دمکراتیک را مطرح ساختیم. امروز نیز ما در تعیین خط مشی سیاسی خود، مصالح خلق و میهن را در نظر می‌گیریم. برنامه جدید حزب نمونه دیگری در این زمینه است. این برنامه که نخست به شکل طرح انتشار یافت مورد بررسی همه چانه رفقای حزبی قرار گرفت و پس از جرح و تعدیل برپایه پیشنهادها رسیده به کنفرانس ملی ارائه شد. کنفرانس نیز تغییرات محسوسی در آن بعمل آورد و به تصویب رساند. حال چگونه می‌توان برنامه‌ای را که هزاران نفر از اعضای حزب در تدوین آن شرکت داشتند دیکته شده از یک "مرکز" واحد معرفی کرد؟ سیاست خارجی اتحادشوروی چه ارتباطی می‌تواند با شعارهای تاکتیکی و استراتژیک ما داشته باشد؟

آشکار است که نشریه "فدائی" سفسطه می‌کند، حزب ما و همه احزاب برادر و از جمله حزب کمونیست اتحادشوروی در سال ۱۹۶۸ صریحاً اعلام کردند که هر حزب کمونیستی برای فعالیت خود در برابر طبقه کارگر و خلق خود و در عین حال در برابر طبقه کارگر بین المللی مسئول است. مسئولیت‌های ملی و بین المللی هر حزب کمونیستی و کارگری از هم جدائی ناپذیر هستند. مارکسیست - لنینیست‌ها هم میهن پرست و هم انترناسیونالیست هستند. آنها هم تنگ نظری ملی و هم نفی و کم بهاء دادن به منافع ملی و هم تمایل به سرکردگی طلبی (هژمونیسیم) را رد می‌کنند.

احزاب کمونیستی به عنوان احزاب طبقه کارگر و همه زحمتکش‌شان در عین حال پرچمدار منافع واقعی ملی هستند. برعکس این طبقات ارتجاعی هستند که به این منافع خیانت می‌کنند.

ما به نویسندگان "فدائی" توصیه می‌کنیم که موازین رایج میان کمونیست‌ها را بشناسند و رعایت کنند و با طرح "روایات" و "منابع نهانی" آپ به آسیاب تئورسین‌های ضد کمونیسم نریزند.

"فدائی" ادعا می‌کند که گویا حزب توده ایران "مبارزه طبقاتی را از کانال این دیدگاه، یعنی با فرض کردن تضادهای جهانی به جای تضادهای جامعه ما..." می‌نگرد.

از کدام مبارزه طبقاتی سخن می‌رود؟ در مورد مبارزه طبقاتی در درون جامعه ما، موضع حزب توده ایران، چنانکه خاطر نشان ساختیم هم در گذشته و هم در حال روشن است. ما پارها تاکید کرده‌ایم که هر انقلابی در وهله نخست ریشه در شرایط داخلی دارد و برانگیخته از میزان شدت و حدت تضادهای رشد اجتماعی در محدوده ملی است. آرایش و تناسب نیروهای طبقاتی در عرصه بین المللی نیز هر چند نمی‌تواند که سیر رویدادها را به شکلی قاطع تعیین کنند، با وجود

این بر عملکرد طبقات و احزاب در درون این یا آن کشور معین، تأثیر می‌گذارند و حل وظایفی را که نیروهای انقلابی آن کشور مطرح کرده‌اند، تسهیل و یا دشوار می‌سازند. بنابراین عامل خارجی هیچگاه نمی‌تواند جایگزین عامل داخلی رشد انقلاب بشود، کمالین که برخلاف ادعای "فدائی" تضاد میان اتحادشوروی و آمریکا نیز نمی‌تواند جای تضاد عمده جامعه ما را بگیرد. هر کس که این اصل ساده را درک نکند، از مارکسیسم پوئی بهره‌ده است.

اشتهای "فدائی" از این تصور ناشی می‌شود که گویا اعلام تضاد میان همه خلق و امپریالیسم در برنامه مصوب سال ۵۴ به مثابه تضاد عمده در جامعه ایران، به معنی جایگزین کردن تضادهای جهانی به جای تضادهای جامعه ما است. این اشتباه به علت عدم درک نقش امپریالیسم است. امپریالیسم برای کشور ما نه تنها یک مسئله خارجی به شمار می‌آید، بلکه همچنین عملکرد آن با مناسبات تولیدی حاکم هر کشور ما در شرایط سرمایه‌دای وابسته ارتباط ناگسستنی داشت. چگونه می‌شد مبارزه علیه کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان به مثابه پایگاه امپریالیسم در ایران را از مبارزه ضد امپریالیستی تفکیک کرد؟ آنهایی که در اعتراض به ما، مسئله وجود تضاد عمده، یعنی تضاد میان امپریالیسم و همه خلق و تضاد میان نیروهای مولد و مناسبات تولیدی را مطرح می‌کردند، در واقع نظریه مائوئیستی را رواج می‌دادند.

اما مبارزه طبقاتی در مقیاس جهانی میان دو سیستم سرمایه‌داری و سوسیالیسم نیز با شدت ادامه دارد. وظیفه انترناسیونالیستی حکم می‌کند که کمونیست‌ها در این مبارزه دوشادوش سیستم جهانی سوسیالیسم قرار گیرند. اینکه نویسندگان "فدائی" هنوز به این نتیجه نرسیده‌اند، جای تأسف است. خویشاوندی آنها با گروه‌های ضد حزبی نیز در این گونه موارد تظاهر پیدا می‌کند.

روابط بین المللی حزب ما، یکی دیگر از مواردی است که "فدائی" را عذاب می‌دهد. معلوم نیست چرا مناسبات با احزاب کمونیستی و کارگری باید به مثابه "فاجعه‌ای" برای کمونیست‌ها تلقی گردد و این روابط چگونه می‌تواند مانع استقلال احزاب باشد؟

"فدائی" می‌نویسد: "... حفظ استقلال ملی از احزاب و سازمان‌های کمونیست کشورهای دیگر، در عین همبستگی فعال با مبارزه آنها، پیش شرط مقدماتی جنبش کمونیستی در انجام رسالت خویش است" (تکیه از آن فدائی است). منظور از "حفظ استقلال ملی از احزاب و سازمان‌های کمونیست کشورهای دیگر" که "فدائی" حتما دانسته و فهمیده به پیروی از واژگان سیاسی اخراج شده از حزب روی آن تکیه کرده است، چیست؟

حزب ما خط مشی سیاسی خود را در ارتباط با وضع مشخص جامعه و آرایش نیروهای طبقاتی در جهت دفاع از منافع طبقه کارگر و دیگر

زحمتکشان کشورمان تنظیم می کند و به موقع اجرا می گذارد. و این شامل همه احزاب کمونیستی و کارگری است. هریک از این احزاب در شرایط کاملاً مختلف و خاصی مبارزه می کنند و بنابراین فقط مستقلاً می توانند درباره مضلات کشور خود تصمیم بگیرند. ناگفته پیداست که کمونیست ها نیز از اشتباه پری نبوده نیستند. پخرنجی زویداداها می تواند در اینجا و آنجا به کاستی ها و نارسائی ها و اشتباه ها منجر گردد. این نیز طبیعی است. به گفته هوشی مین: فقط مرده ها اشتباه نمی کنند. از آنجا که هر حزبی خط مشی سیاسی خود را تعیین می کند، پاسخگوی نارسائی ها و اشتباههای خود نیز هست. در عین حال این وظیفه هر حزبی است که نارسائی ها و کاستی ها و اشتباههای خود را پیکایوی کرده و در تصحیح آن بکوشد. به هیچ یک از احزاب رادر چنین حقی داده نشده است که در این زمینه نیز در امور داخلی دیگر احزاب دخالت کنند.

اما " فدائی " نظر ویژه خود را دارد و مینویسد: "... انترناسیونالیسم پرولتری به هیچ وجه همبستگی با انحرافات و کاستی های جنبش کمونیستی در این یا آن کشور و یا پرده پوشی و توجیه ضعف های موجود در کشورهای سوسیالیستی را دربر نمی گیرد...". پدینسان به عقیده نویسندگان " فدائی " انترناسیونالیسم پرولتری در محدوده " حق انتقاد از " کاستی ها " و انحرافات " و " ضعف های " دیگر احزاب کمونیستی و کارگری، اعم از حاکم و غیر حاکم، یعنی دخالت در امور داخلی آنها، گنجانده می شود. گویا اگر هر حزبی این طریق را در پیش بگیرد " استقلال ملی " خود را حفظ کرده و در غیر اینصورت واپسته است.

ما با اینگونه " استقلال ملی " مخالفیم و در

روابط با دیگر احزاب برادر موازینی را مراعات می کنیم که خود زیر پای آنها امضاء گذارده ایم. در اسناد کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری در ژوئن ۱۹۶۹ تأکید شده است که " هر حزبی سیاست خود را برپایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و در نظر گرفتن شرایط مشخص ملی کاملاً مستقلاً تنظیم می کند. " و " مناسبات بین احزاب برادر برپایه اصل انترناسیونالیسم پرولتری، همبستگی و پشتیبانی متقابل، احترام به استقلال و برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر برقرار است " (ص ۲۱ و ۲۲).

این است آن استقلال که ما به آن معتقدیم. مراعات اکید این اصول مبین استقلال عمل احزاب کمونیستی است. ما به هیچ حزبی اجازه نمی دهیم که درباره سیاست و خط مشی منتخب ارگان های مرکزی حزب مداخلت کند و طبیعی است که به خود نیز چنین حقی را نمی دهیم. هر حزب کمونیست حاکم و یا غیر حاکم - کاستی ها و نارسائی و اشتباه های خود را راسا بررسی و اعلام می کند. معنی استقلال عمل واقعی هم چیز این نیست.

ایدئولوژی ما، برپایه اصل انترناسیونالیسم پرولتری که اساس اتحاد نیروهای کمونیستی است، استوار است. ما انترناسیونالیسم پرولتری را نیروی تعیین کننده در گذار جهان از سرمایه داری به سوسیالیسم می دانیم. ما در عرصه بین المللی در راه اتحاد عمل احزاب کمونیست برپایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری مبارزه می کنیم. حزب ما در راه توسعه و تحکیم وحدت عمل کمونیست ها علیه امپریالیسم از طریق مذاکره ها و بحث های مشترک دو جانبه و چند جانبه به قصد رشد خلاق اندیشه مارکسیستی در انطباق با مسائل گرهی

جدید دوران ما، تلاش می ورزد. به نظر ما انترناسیونالیسم در عمل جز این هم نیست. حال اگر نویسندگان " فدائی " این روشرا استقلال نمی دانند، ناشی از ناآگاهی آنهاست. یورکن انسن صدر حزه کمونیست دانمارک، در مقاله " نیروی محرکه همبستگی انترناسیونالیستی " بدرستی می نویسد: " انترناسیونالیسم امروز هم مانند گذشته، برای ما به معنی همبستگی با سوسیالیسم واقعا موجود است. پرولوازی امپریالیستی آرزویی جز از بین بردن احساس اشتراک مافع و حمتکشان جهان سرمایه داری و کشورهای سوسیالیستی و جلوگیری از این که این احساس در جهت فعالیت پراتیک جریان یابد، ندارد. و حربه عمده مبارزه آن علیه سوسیالیسم و مجموعه نهضت کمونیستی عبارت است از شوری ستیزی که هسته مرکزی ایدئولوژی و سیاست ضد کمونیسم را تشکیل می دهد. پنهان نیست که ارتجاع امپریالیستی در پی اعتبار کردن اتحادشوری، هدف کاهش تاثیر سوسیالیسم در مجموع و تضعیف نیروی جذاب اندیشه کمونیستی برای توده های مردم را، تعقیب می کند " (" مسائل صلح و سوسیالیسم "، شماره ۷، سال ۸۶، ص ۱۲).

حزب توده ایران نیز از این سیاست پیروی کرده، می کند و خواهد کرد. بدون هراس از اینکه این یا آن سازمان، این یا آن فرد، آن را چگونه تعبیر و تفسیر کنند.

ما به گردانندگان " فدائی " توصیه می کنیم در بحث نه از " روایات " بلکه از منابع مستند بهره گیرند و بجای انتشار " اطلاعاتی های وازدگان سیاسی و طردشدگان از حزب "، به جنبش و مصالح کنونی آن بیندیشد.

اندیشمندان مترقی کشور است، همچنان که در تک ژرفای سیاه ترین دوران دیکتاتوری شاه در پیوند با یکدیگر مشعل آزادی را برافراشتند، در شرایط کنونی نیز با چاپ و نشر و ارائه آثار خویش - بهر طریق ممکن، پیوند دهنده اندیشه های مترقی و آرمان های والای انسانی باشند، آزادبخواهی و صلح جوئی را که شکننده حکومت استبدادی و روحیه جنگ طلبانه است، ترویج کنند، شعله های امید به آینده را در قلب های توده ها فروزان نگاه دارند و با گسترش روح مقاومت در برابر رسوخ هر اندیشه یا آئین ارتجاعی در میان نسل جوان ایستادگی کنند و همچنین در حفظ و نگاهداری آثار گرانبهای فرهنگی، که میراث معنوی مردم محروم ماست، کوشا باشند.

یک رمان، یک نمایشنامه، یک شعر، یک ترانه، یک تصویر و حکایت طنز آمیز در میان توده های می تواند، به میزان معینی در افشای واپسگرایان سالوس منس و ریاکاری که به توده ها پشت کرده اند، کارساز باشد و راه را بر فریبکاری آنها ببندد.

روشنفکران ما می توانند، با گردآوری اسناد و مدارکی مبنی بر سانسور و تفتیش عقاید، آزادی

از شیوه های رایج رژیم برای تحمیل روحیه از خود بیگانگی است. پاره ای از رشته های علمی و ادبی از رده تدریس حذف شده است. همه کتاب هایی را که مغایر با اندیشه های واپسگرایانه رژیم است از کتابخانه های عمومی و - هر آنجایی که دستشان رسیده - از کتابخانه های خصوصی و کتابفروشی ها جمع آوری کرده و از بین برده اند. از چاپ و نشر آثار مترقی اکیدا پیشگیری به عمل آمده و می آید. گروهی از شاعران، نویسندگان، هنرمندان، و روشنفکران انقلابی را توقیف و به زندان و شکنجه گاه ها و جوخه های اعدام سپرده اند. موج تفتیش عقاید و سانسور، از کنترل نامه ها و تلفن های خصوصی تا دخالت در زندگی خصوصی مردم، پیش رفته است. رژیم همراه با این پیدادگری های پلیسی ظریف ترین شیوه های روان گردانی را برای کشتن روح زندگی در مردم پکار گرفته است. سوء استفاده از آئین های مذهبی، اشاعه مرثیه و نوحه خوانی، سیاه پوشی، خوارشردن شادی ها و دیگر مظاهر شورانگیز زندگی، مرگ خواهی و مرگ اندیشی، همه و همه به امر روزمره دستگاه تبلیغاتی رژیم تبدیل شده است و در خدمت پژمراندن گل های شاداب روح و روان ایرانی قرار دارند.

بر شاعران، نویسندگان، هنرمندان و

پیام کنفرانس ملی حزب * * *

باستانی و سرقت اندوخته های ملی و به حراج گذاشتن آنها در بازارهای بین المللی، گنجینه های معرفتی ما را بر باد می دهد.

واپسگرایان، این گم کردگان راه تاریخ، کوشش می کنند تا با ترویج افکار پوسیده اشاعه خرافه ها و آئین های منسوخ و احیای سنت های قرون وسطایی و سوء استفاده از باورهای مذهبی توده مردم پایه ای به اصطلاح فرهنگی برای حکومت ارتجاعی و خودکامه " ولایت فقیهی " بسازند. آنها به نام انقلاب فرهنگی از هیچ چرم و جنایتی فروگذار نمی کنند. هنرهای فولکوریک، رقص و موسیقی محلی ملی در میهن ما ممنوع اعلام شده و تلاش می شود که جشن های ملی و باستانی ما، چون چهارشنبه سوری و نوروز و غیره، به فراموشی سپرده شوند.

متن کتاب های درسی (از دبستان تا دانشگاه) جنبه های غیر علمی، ضد علمی و خرافی دارند و موجب انحراف کودکان، نوجوانان و جوانان مبین ما از واقعیت های عصر خود می شود.

تخریب زبان زنده و پویای فارسی و تحریف تاریخ چوشان میهن ما و واقعیت های جهان از جمله دستاوردهای عظیم اردوگاه سوسیالیسم یکی

از رزم کارگران

اعتصاب یک روزه در قلیپس

کارگران کارخانه "فیلیپس" (تولید کننده تلویزیون) به علت کمی دستمزد، قطع اضافه کاری و لغو برخی از مزایا به بهانه ادامه جنگ و دیگر مسائل صنفی یک روز اعتصاب کردند. در جریان اعتصاب دادستان منطقه همراه با عناصر سرکوبگر به داخل کارخانه آمد و ضمن تهدید کارگران گفت: عناصر "مشکوک" و سردمداران اعتصاب را بین خود شناسائی کنید. این گفته سبب اعتراض کارگران شد و از جمله یکی از اعضاء انجمن اسلامی پس از نشان دادن کارت خود گفت: من اعتصابی هستم، با حقوق ماهی سه هزار تومان چطور می شود زندگی کرد؟ دادستان منطقه که انتظار شنیدن چنین گفتاری را از یک عضو انجمن اسلامی نداشت، گفت: ما از شما دیگر توقع نداشتیم، امروزه همه کارگران باید در خدمت جنگ باشند، اما کارگران پرسرخواست های خود ایستادند و سرانجام قرار شد از بین خودشان نماینده ای انتخاب کنند که در گفتگوها مسئولان کارخانه به حل مسائل صنفی و برآوردن خواست های آنان بپردازند. کارگران تصمیم گرفتند، چنانچه مسئولان خواسته های آنان را عملی ناسازند، دیگر بار دست به اعتراض و اعتصاب بزنند.

کم کاری کارکنان خوابگاه "هجرت"

بنیاد امور مهاجران جنگی ۶۰ درصد از کارکنان خود را اخراج خواهد کرد. دلیل این تصمیم کاهش بودجه در نتیجه جنگ است. این تصمیم سبب ناراضی کارکنان این بنیاد شده و از جمله کارکنان خوابگاه "هجرت" واقع در سید خندان با کم کاری دست به حرکت اعتراضی زدند.

کارگران "سیمان تهران" موفق شدند

برای محاسبه سود سال ۶۴ کارگران سیمان تهران جلسه ای با شرکت اکثر کارگران و نماینده هیئت دولت و هیئت مدیره تشکیل شد. مطابق برآورد نماینده هیئت مدیره، میزان بهره آوری کارگران از سود کارخانه از سال ۶۳ (۱۳ میلیارد تومان) کمتر بود. این مسئله سبب اعتراض شدید کارگران شد. نماینده هیئت مدیره استدلال کرد که به علت پائین تر بودن سطح تولید نسبت به سال های قبل کارخانه قادر به پرداخت مبالغی بیش از رقم تعیین شده نیست. کارگران او را هوار کردند و یک صدا فریاد زدند: بیا پائین. سپس یکی از کارگران پشت تریبون رفت و گفت: ما از شروع انقلاب در انقلاب سهیم بودیم. با اعتصابان شاه را بیرون انداختیم. وقتی که عراق به ما حمله کرد شهانه روز کار کردیم و تولید کارخانه را به چندین

برابر سابق رساندیم... ولی اینها دلیل نمی شود که ما از حقمان چشم پیهوشیم. شما می گوئید جنگ است و فلان و بهمان، ولی هیچکدام از این حرف ها دلیل نمی شود که ما از حقمان بگذریم. ما حق خودمان را می گیریم. وی این جمله را چند بار تکرار کرد و کارگران با صدای بلند سخنان او را تأیید کردند.

در ادامه بحث کارگر دیگری پشت تریبون رفت و از جمله گفت: باید تولید و فروش سیمان در سال را حساب کنید. بیست درصد پاهت استهلاك ماشین ها کم کنید و نیز پس از احتساب خرج روزانه کارخانه، باقیمانده راه کارگران بدهید. نماینده هیئت مدیره گفت: مطابق پخشنامه نمی شود به این طریق حساب کرد. کارگر یاد شده پاسخ داد: بله، هر طریقی که به نفع شما نباشد، طبق پخشنامه نمی شود و هر طریقی که به ضرر کارگر باشد پخشنامه شما جور در می آید. کارگران دیگر با صدای بلند سخن همکار خود را تأیید کردند. نماینده هیئت مدیره پشت تریبون رفت و گفت: همین است که هست، می خواهید بخواهید، نمی خواهید هم نخواهید. کارگران یک صدا فریاد زدند: ما نمی خواهیم. نماینده هیئت مدیره گفت: می توانید به وزارت کار مراجعه کنید و شکایت کنید. یکی از کارگران گفت: وزارت کار هم مثل شاهاست.

در پایان جلسه کارگران هر قسمت از میان خود نماینده ای انتخاب کردند و جمع نمایندگان با مسئولان کارخانه به مذاکره پرداختند. مهارزه متحد کارگران سبب شد که میزان بهره وری آنان از سود کارخانه ابتدا از ۱۲ میلیون تومان به ۱۸ میلیون تومان و در اثر فشارهای بعدی به ۲۵ میلیون تومان افزایش یابد.

کارگران "توشیبا" رشت به جبهه نرفتند

در اجرای پخشنامه نخست وزیری در زمینه اعزام داوطلبان ۲۰ درصد از پرسنل موسسات به جبهه، مسئولان کارخانه "توشیبا" در رشت، پس از برشمردن "مزایا"ی مربوطه و تبلیغ درباره ضرورت ادامه جنگ، اعلام کردند که کارگران داوطلب در اسرع وقت خود را معرفی کنند، اما علیرغم پیگیری و اصرار آنها کسی داوطلب نشد. سرانجام مجبور شدند که خود عده ای را تعیین کنند و "داوطلبان" اجباری را تهدید کردند که در صورت نرفتن به جبهه از کارخانه اخراج خواهند شد. کارگران از این تصمیم گیری شدیداً خشمگین شدند و خانواده های آنها نیز که در جریان امر قرار گرفته بودند، در برابر کارخانه اجتماع کردند و خواستار لغو تصمیم شدند. عده ای از کارگران و از جمله چند نفر از اعضای انجمن اسلامی کارخانه نیز نزد احسان بخش (امام جمعه رشت) رفتند و نسبت به تصمیم گرفته شده از جانب مسئولان اعتراض کردند. مقاومت کارگران و حرکت تعرضی آنها سبب عقب نشینی عوامل رژیم در این واحد تولیدی شد.



مدیرعامل "فرنج"، از کارگران کتک خورد

بدنهال سخنرانی تومهن آمیز رضوی مدیر کارخانه "فرنج" و "نیتینگ" قزوین، در واحد فرنج و گفتن این جمله موهن که "اگر دل کارگران را بشکافی می بینی پر از یونجه" است، کارگران او را به شدت کتک زدند و با تیپا از کارخانه به بیرون انداختند. رضوی به خواست های کارگران در زمینه های اجرای درست طرح طبقه بندی مشاغل، افزایش دستمزد، حل مسئله مسکن کارگران و دیگر مسائل صنفی پاسخ منفی داده بود. وی در سال گذشته نیز به همین سرنوشت دچار شده بود، اما پس از کتک خوردن از کارگران، با حمایت لاجوردی و با در دست داشتن حکم از موسوی اردبیلی تحت حفاظت مسلحانه پاسداران به کارخانه بازگشته بود. در جریان درگیری میان جناحها، "هاریک بین" امام جمعه قزوین با مدیرعامل کتک خورده اختلاف هایی دارد.

در شهر صنعتی قزوین

- کارخانه کنتورسازی عمدتاً تعطیل شده است.

- کمپرسورسازی نیمه تعطیل است.

- عده ای از کارگران دارای سابقه کمتر در "ایران دو چرخ" بازخرید شده اند. در این کارخانه قبلاً به ازاء هر سال سابقه کار، ۶۵ روز حقوق بازخریدی داده می شد که در شرایط کنونی ۴۵ روز تقلیل یافته است.

جنگ عامل اصلی بحران اقتصادی،

وابستگی، استعمار کارگران و دهقانان،

بیکاری روز افزون، گرانی، آوارگی و

بی خانمانی است!

همبستگی جهانی با ...

دمکراتیک دانشجویان تورنتو، اتحادیه کارکنان آموزش کانادا (پخش ۲)، کنگره صلح کانادا، سندیکای نامه رسانان کانادا (پخش ۱)، مرکز اسپانیایی زبان های کانادا، انجمن صلح تورنتو، سازمان زنان کارگر متشکل، اتحادیه کارگران مصدوم، اتحادیه یهودیان مقیم کانادا (پخش تورنتو)، کمیته پاکستانی های مرفقی مقیم کانادا، اتحادیه دمکراتیک عراق در آمریکا و کانادا، انجمن پرتغالی های دمکرات مقیم کانادا، انجمن اوکرائینی های متحد در کانادا، انجمن فعالیت برای آفریقای جنوبی در کانادا، فدراسیون روس های مقیم کانادا، انجمن حمایت از نیکاراگوئه در کانادا، فدراسیون کانادا کوبا، سازمان فنلاندی های مقیم کانادا، کنگره ملی آفریقا در کانادا، کمیته همبستگی با مردم السالوادور، سازمان دمکراتیک قهرسی های مقیم کانادا، انجمن فلسطینی های مقیم کانادا و چندین اتحادیه و سازمان های دانشجویی و سندیکاهاى مختلف دیگر نام برد. همچنین سازمان جوانان فدائی (اکثریت) کانادا و دیگر سازمان های حزبی و اکثریتی پبانیه یاد شده را امضاء کردند.

در جشن های "آوانگارد"، صلح فرانسه

" آوانگارد " ارگان سازمان جوانان کمونیست فرانسه جشن سالانه خود را با شکوه هرچه بیشتر برگزار کرد. به جشن امسال آوانگارد " عنوان " مهارزه با آپارتاید و نژاد پرستی " داده شد و اردنسون ماندلا قهرمان مبارد آفریقائی تجلیل بعمل آمد.

در این جشن نمایندگان سازمان جوانان توده ایران نیز شرکت داشتند. از غرفه سازمان که به عکس ها ، طرح ها و شعارهایی علیه جنگ ، اختناق و نژادپرستی آراسته شده بود، بسیاری از تماشاگران و بویژه نمایندگان جوانان کشورهای مختلف و ارگان های مرکزی ، منطقه ای و شهری سازمان جوانان فرانسه دیدن کردند و قطعنامه های محکومیت رژیم ج.ا. در زمینه های جنگ و اعمال ترور و اختناق و ... را امضاء کردند. امضاء کنندگان از جمله خواستار آزادی زندانیان سیاسی کشور و پایان دادن به شکنجه و اعدام مبارزان انقلابی شدند. همچنین نمایندگان سازمان جوانان توده ایران در ملاقات هایی که با نمایندگان جوانان کشور از قبیل عراق ، مصر ، لبنان ، السالوادور ، شیلی و ترکیه داشتند همبستگی خود را با مبارزه مردم این کشورها علیه رژیم های ضد خلقی حاکم بر آنها اعلام داشتند.

در دومین روز جشن که به صورت یک راه پیمایی بسیار باشکوه برگزار گردید، رفقای جوان ما نیز با پرچم ها و پلاکاردهای خود علیه رژیم

جنایتکار ج.ا. شرکت داشتند.

همچنین در جشن صلح در فرانسه که امسال به صورت تجمع هواداران صلح در محلی وسیع برگزار شد ، اعضا و هواداران حزب بطور فعال شرکت داشتند. در این جشن رفقای ما و سازمان حزب کمونیست عراق در فرانسه بطور مشترک به جمع آوری امضاء علیه جنگ و کمک مالی پرداختند که نتایج درخشانی در پی داشت.

در جشن "پاتریوته"

در جشن " پاتریوته " روزنامه محلی استان آلپ و مارتینم که با حضور و شرکت شخصیت ها و برجسته کمونیست و مرفقی فرانسوی و نمایندگان احزاب و سازمان های انقلابی کشورهای مختلف برگزار شد، گروه زبان فارسی متشکل از اعضا و هواداران حزب و سازمان (اکثریت) نیز شرکت داشتند.

در این جشن، رفقای حزبی با نصب پوستره های گوناگون، پخش تراکت، ترجمه و پخش مقالاتی از " نامه مردم " و توزیع کتاب " شهیدان توده ای " به افشاء چهره ضد مردمی رژیم ج.ا. پرداختند. بسیاری از شرکت کنندگان در جشن، از جمله رفقا شارل کرسا مسئول فدراسیون آلپ و مارتینم و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه و رولاند لوروا سردبیر روزنامه "اومانیت" باار سال نامه هایی به سفارت ج.ا. در پاریس ، ضمن اعلام همبستگی با زندانیان سیاسی کشور ما خواستار آزادی فوری آنان شدند.

در جریان جشن گروهی از دوستان ایرانی از غرفه ایران بازدید کردند ز بحث ها و گفتگوهای موثری درباره مسائل داخلی کشور و وظائف نیروهای مرفقی انجام شد. در پایان جشن سرود انترناسیونال خوانده شد.

تظاهرات و "تظاهرات" در فیلیپین

گروهی از نیروهای مرفقی پناهنده شده به فیلیپین با عقاید سیاسی گوناگون و از جمله هواداران حزب ما و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انجمنی تشکیل داده اند که اساس فعالیت آن مهارزه با رژیم ج.ا. و افشای جنایت ها و خیانت های آن است. این انجمن در تظاهراتی که در مقابل سفارت ج.ا. در مانیل برگزار کرد با دادن شعارهای ضد رژیم توانست توجه بخش مهمی از مردم فیلیپین را نسبت به واقعیت های درون جامعه ما و عملکرد ضد مردمی رژیم در عرصه های گوناگون جلب کند. تظاهرات یاد شده خشم مسئولان سفارت را برانگیخت و چند نفر از مزدوران رژیم به تظا هرکنندگان حمله ور شدند. این حرکت اثر معکوسی بخشید و ناظران صحنه بیشتر و آشکارتر به ماهیت و ددمنشی رژیم پی بردند. لازم به تذکر است که از سال ۷۹ تاکنون بالغ بر ۵ نفر ایرانی توسط چاقو کشان رژیم در فیلیپین کشته شده اند.

همچنین در تظاهرات اول ماه مه امسال که پس از برچیده شده بساط حکومت مارکوس با شرکت کارگران و زحمتکشان فیلیپین برگزار شد، هواداران حزب و سازمان ده هزار نسخه اعلامیه به زبان محلی پخش کردند. محتوای این اعلامیه افشای رژیم از جوانب گوناگون بود که مورد استقبال پرشور شرکت کنندگان در تظاهرات قرار گرفت.

در باره عضویت و موازین ترکیب * * *

سازمانده جنبش بودن - چنین است هنری که یک حزب مارکسیست - لنینیست باید از آن بهره مند باشد.

نیروی حزب از وحدت یکپارچه آن ناشی می گردد. حزب باید مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری را علیرغم حلات و اتهامات و پرچسب ها، راهنمای عمل خود قرار دهد. فقط در این شرایط است که حزب قادر به بسیج تمام نیروهای مرفقی و دمکراتیک کشور بر پایه اتحاد کارگران و دهقانان خواهد شد. به همین سبب حزب باید در تحکیم خود بکوشد، نقش مستقل خود را افزایش دهد و ابتکار بیشتری از خود نشان بدهد تا در شرایط چرخش های شدید و تغییر موضع در جامعه با تسلط بر اوضاع، تصمیم قطعی و منطبق بر واقعیت بگیرد و عمل کند. از اینجا نیز ضرورت آموزش مستمر و پیگیر مارکسیسم - لنینیسم برای همه اعضای حزب بدون استثناء مطرح است. حزب به مثابه یک ارگانیم زنده نیاز مبرم به این امر دارد. یکپارچگی ایدئولوژیک صفوف حزب نیز به این امر بسته است. آموزش مستمر، ضامن جلوگیری از آشفتگی و تزلزل و انحراف از خط مشی اصولی است.

بزودی جشن چهل و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب برگزار خواهد شد. ۴۵ سال مهارزه بی امان در راه منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان برای هر حزبی اقتنار بزرگی است، بویژه اگر در نظر بگیریم که حزب ما برای رسیدن به هدف های انقلابی خود طی ۴۵ سال ده ها هزار قربانی داده است. آری، راه ما سراسر است و مستقیم نبود. ما همیشه در زیر ضربات دشمن مجبور به مهارزه و تصمیم گیری بودیم و طبیعی است که در اینجا و آنجا دچار اشتباه هایی نیز شده ایم. اما خدمت هایی که حزب ما طی ۴۵ سال به مردم میهن کرده به اندازه ای عیان است که حتی دشمنان سوگند خورده ما نیز نمی توانند منکر آن شوند.

ما اعتقاد راسخ داریم که اعضا و هواداران حزب خواهند کوشید تا چهل و پنجمین سالگرد حزب را با شعار هرچه فشرده تر ساختن صفوف حزب پرافتخار خود، برگزار کنند و بار دیگر به دشمنان نشان خواهند داد که با هیچ حيله و ترغندی و با هیچ تهمت و پرچسبی نمی توانند آفتاب را با گل آلوده سازند.

درد بر زندانیان سیاسی و رزمندگان راه آزادی زحمتکشان ایران!

تایتل بوم، عضو هیات سیاسی حزب کمونیست شیلی:

جنگ تمام عیار را با پیرونده آغاز کرده ایم

نداده است. هدف ما برقراری دموکراسی پیشرفته است. بدین منظور باید ریشه فاشیسم را کند و به مردم امکان آن را داد که در انتخاباتی عمومی و مخفی درباره سرنوشت آینده شیلی تصمیم بگیرند. آماج نهایی ما نیز سوسیالیسم است... ما کماکان از همه شیوه‌های مبارزه، از جمله پیکار قهر آمیز، بهره خواهیم گرفت. این شیوه پیکار در واقع دفاع از خود و از اینرو شیوه‌ای مشروع است و به متزلزل ساختن رژیم کمک خواهد کرد."

عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست شیلی در پایان مصاحبه خود با "مورنینگ استار" گفت: "در جنگ برای آزادی و دموکراسی هزاران نفر در پیش است. ما نمی‌دانیم، رژیم تا کی روی کار باقی خواهد ماند. بهتر هم هست، که در این باره بخود اولتیماتوم ندهیم. مهم این است که جنگ تمام عیار با پیرونده را آغاز کرده ایم. مردم شیلی خواهان سرنگونی رژیم و برقراری دموکراسی هستند و کاسه صبرشان لبریز شده است."

تشکیل "مجمع ملی شهروندان" ۱۲ سازمان جوانان را در "جبهه توافق جوانان" متحد ساختند.

بگفته تایتل بوم، مجمع نامبرده، که چندماه پیش تشکیل شد، موفقیتی بی نظیر در روند اتحاد نیروها به شمار می‌رود.

"در رهبری "مجمع" دمکرات‌های مسیحی اکثریت دارند، ولی کمونیست‌ها هم در آن هستند. نه بخاطر کمونیست بودنشان، بلکه به عنوان رهبران منتخب سازمان‌هایی که این "مجمع" را تشکیل می‌دهند. "مجمع ملی" فرآورده ۱۲ سال مبارزه در راه اتحاد و فشار از پائین است. هواداران احزاب گوناگون چوب نفاق را می‌خورند و حتی چنان می‌باختند و رهبران آنها در بالا سرگرم بحث‌های طولانی درباره عدم امکان اتحاد با کمونیست‌ها بودند، به این بهانه، که گویا اینان هوادار خشونت هستند."

تئوریسین حزب کمونیست شیلی افزود:

"اتحاد کنونی همچنین به معنای مرگ برخی توهمات است، مثلا این توهم برخی که گویا می‌توان با توافق با پیرونده راه گذار پسوی دموکراسی هموار کرد... چپ‌ها و حزب کمونیست همیشه مخالف هرگونه سازی با پیرونده بودند."

بگفته تایتل بوم "مجمع ملی شهروندان" برپایه قراردادی تلویحی "فعالیت می‌کند:

"ما هنوز قرارداد کتبی بسته‌ایم، بلکه کمیته‌ای داریم که همه احزاب سیاسی را در بر می‌گیرد و هر روز نشست دارد. وظیفه این کمیته تدارک تصمیماتی است که در "مجمع ملی شهروندان" گرفته خواهد شد"

رهبر کمونیست‌های شیلی افزود، با آنکه حزب کمونیست شیلی و دمکرات‌های مسیحی بزرگترین احزاب این کشور هستند، "هیچ حزبی به تنهایی نخواهد توانست، رژیم پیرونده را سرنگون سازد"

یکی از تاکتیک‌های کنونی حزب کمونیست شیلی منفرد ساختن پیرونده در ارتش است. نشانه‌هایی هست که سره‌ازان و درجه‌داران و حتی برخی از افسران هرچه بیشتر از اعمال شیوه‌های سرکوبگرانه ناخشنودی نشان می‌دهند. از این رو، در یکی از کنفرانس‌های مطبوعاتی اخیر حزب، گفته شد که کمونیست‌های شیلی، چنانچه دیگر احزاب نیز توافق باشند، با یک دولت موقت نظامی مخالفتی نخواهند ورزید. البته نه این که چنین دولتی قصد داشته باشند سه تا پنج سال بر سر کار باقی بماند. تایتل بوم خاطر نشان ساخت: "حزب موضع خود را تغییر

در اوایل ژوئیه ۱۹۸۶، "مجمع ملی شهروندان" کمیته‌ای مرکب از نمایندگان ۲۵ سازمان - سندیکاهای کارگری و اتحادیه‌های گوناگون دانشجویان، زنان، مغازه‌داران و کامیون‌رانان و غیره - مردم شیلی را به دور اعتصاب عمومی فراخواندند. مقاله وحشیانه پلیس پیرونده با این اعتصاب عمومی و تظاهرات همراه آن حتی به نسبت شیلی فاشیسم زده بی‌نظیر بود. در جریان این تظاهرات پلیس بروی عکاسی جوان بنام رودریگو روخاس و همکار دختر او مایع آتش زار ریخت و آنها را در آتش لاستیک‌ها انداخت. روخاس پلافاصله جان سپرد و قربانی دیگر در بیمارستان در آستانه مرگ پسر می‌برد.

اعتصاب عمومی اخیر و برخی دیگر از مسائل مهم، از جمله موضوعاتی بود، که ولودیا تایتل بوم، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست شیلی، در مصاحبه‌ای با "مورنینگ استار" و ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۶ به آنها پرداخت.

بگفته وی "اکنون ۹۰ درصد مردم با پیرونده مخالفند. حتی بخش‌های بزرگی از بورژوازی" ولودیا تایتل بوم به نقش تاریخی دانشجویان در آمریکای لاتین، بویژه در کوبا و نیکاراگوئه، اشاره کرد و افزود:

"این جوانان بودند که با سخاوتمندی، احساسات، اراده راسخ و مسئولیت اخلاقی خود" در راه اتحاد پیشگام شدند و حتی پیش از



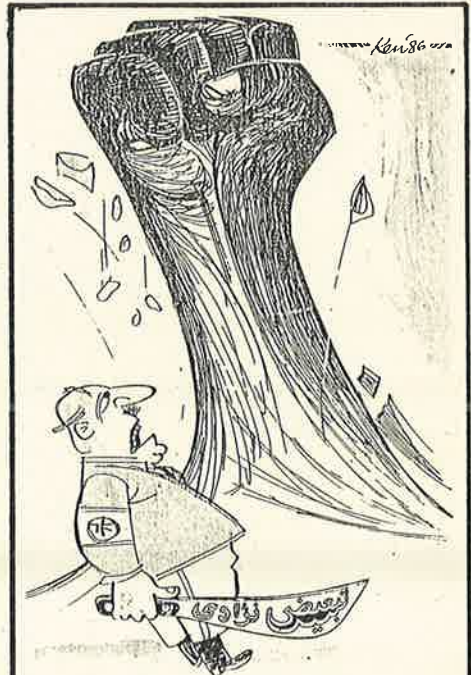
به یاد قربانیان هیروشیما

**کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!**

رفقا "آ"، "س"، "آ"، "و"، "ب"، "ا"، "م"، "پ" در پاریس درآمد دوروز در هفته کار دست فروشی خود را برای خرید ماشین تایپ مورد نیاز حزب اختصاص داده‌اند. این کار رفقا پس از برگزاری کنفرانس ملی نموداری است از تلاش و همستگی بیشتر بین اعضاء و هواداران حزب توده ایران برای ارتقاء فعالیت‌های حزب توده ای خود.

کمک‌های مالی رسیده:

رفیق پ ۰ ش ۱۰۰ دلار
رفیق عسگر فرزین ۸۰ کیلدن



هر چه بیشتر قطعش کنی، سریعتر رشد می‌کند!

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است

NAMEH MARDOM No. 115	P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
14 August 1986	